



نقش قدرت و اراده الهی در نزول بلا یا و رفع آن در دعای هفتم صحیفه سجادیه

معصومه قلی‌پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

چکیده

از ویژگی‌های عالم ماده، وجود سختی‌ها و ناملایمات است و بدون لحاظ آنها نمی‌توان تصور صحیحی از این عالم ارائه نمود. آنچه در این باره مهم تلقی می‌شود، توجه به نقش قدرت و اراده خداوند و نیز نوع رویکرد و شیوه مواجهه انسان با این مشکلات است که این امر ارتباط مستقیم با جایگاه معرفتی انسان دارد؛ از جمله اموری که می‌تواند انسان را در این مسیر یاری نماید انس با ادعیه و زیارات است، بدین صورت که انسان با مراجعه و نیز مطالعه علاوه بر کسب معنویت، معرفت خود را نسبت به خدا و جهان هستی افزایش می‌دهد. یکی از این منابع معرفتی صحیفه سجادیه است، امام سجاد علیه‌السلام در دعای هفتم صحیفه سجادیه ضمن توجه دادن به مسئله ابتلائات در زندگی انسان، به جایگاه قدرت و اراده خداوند در این باره اشاره می‌فرماید. بر این اساس آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، تبیین رابطه قدرت و اراده الهی با ابتلائات زندگی انسان با توجه به این دعای شریف است که با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش پردازش توصیفی - تحلیلی انجام می‌پذیرد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که قدرت خداوند مطلق است و اراده و قدرت الهی در ایجاد و رفع ابتلائات مؤثر بوده و تأثیرگذاری آن از طریق اسبابی که تحت اراده و قدرت خداوند هستند، امکان‌پذیر است. در عین حال بنا به قضای غیر حتمی خداوند، انسان با دعا و توسل، خود می‌تواند در تقلیل و رفع ناملایمات نقش آفرین باشد.

کلید واژه: امام سجاد علیه‌السلام، بلا، اراده، دعا، قدرت.

۱- طلبه سطح سه جامعه الزهراء سلام الله علیها، masumegholipor2169@gmail.com

۱. مقدمه

وجود ابتلائات در زندگی انسان از جمله سنن الهی است؛ انسان در حیات مادی و دنیوی خود به گونه‌های مختلف با شدائد، رنج‌ها و ابتلائات مواجه می‌شود و به هراندازه انسان بتواند معرفت خود را نسبت به خدا، انسان و جهان هستی افزایش دهد، میزان تحمل او نیز به تناسب آن متفاوت خواهد بود؛ گاهی انسان با رویکردی کاملاً مادی به این امور توجه می‌کند، لذا از همه این ابتلائات تفسیری مادی ارائه می‌کند و خود را عاجز از رفع آنها و کاملاً تسلیم می‌بیند. علاوه بر این، چنین افرادی برای عمل خود در ایجاد این ابتلائات نقشی قائل نیستند و حتی آنها را تصادفی قلمداد می‌کنند. بر خلاف اینها کسانی که نگاه خود را محصور در این عالم نمی‌کنند و در ورای این ناملايمات قدرت و اراده دیگری را که همان قدرت و اراده الهی است، دخیل می‌دانند، علاوه بر توجه به آن قدرت و اراده، عملکرد و اراده خود را به عنوان یکی از علل و اسباب در ایجاد و حتی رفع آنها مؤثر می‌دانند.

آنچه که می‌تواند در تغییر رویکرد انسان نسبت به جهان هستی و انسان به عنوان یک جزء کوچک از آن، تأثیرگذار باشد، توجه به کلام معصومین علیهم‌السلام و بهره‌گیری از آموزه‌های ایشان است، این آموزه‌ها در راستای شناخت حقیقت انسان در همه ابعاد وجودی اوست و چه منبعی کامل‌تر از این است که این امر از جانب معصوم علیه‌السلام که خود دریای بی‌انتهایی از معرفت‌اند، ارائه گردد؛ در این میان، امام سجاد علیه‌السلام با توجه به شرایط حاکم بر عصر ایشان، بسیاری از معارف اعتقادی از جمله نقش قدرت و اراده الهی در عالم هستی و ارتباط آن با نظام اسباب و مسبب‌ان را مطرح نموده است. در دعای هفتم صحیفه سجادیه مسئله اراده و قدرت خداوند در ابتلائات انسان و نقش انسان در مواجهه با آنها بیان گردیده است.

در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده می‌شود: ارتباط ابتلائات زندگی انسان با اراده خداوند و قدرت او چگونه است؟ نقش اسباب طبیعی در این جهت و کیفیت ارتباط آنها با قدرت و اراده الهی چگونه است و این که اراده انسان تا چه اندازه در این باره تأثیرگذار است؟

در رابطه با موضوع این پژوهش، کتاب‌های ارزشمند و ثمربخش زیادی به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله این آثار می‌توان به شرح‌های صحیفه سجادیه اشاره کرد، شرح و تفسیر صحیفه سجادیه نوشته آقای حسین انصاریان (۱۳۸۹ش) که در جلد پنجم به شرح و ترجمه دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌پردازد، شرح صحیفه سجادیه آقای میرزامحمد ابراهیم سبزواری (۱۳۹۰ش) در این کتاب نیز به ترجمه و شرح صحیفه سجادیه پرداخته شده است. در مورد صحیفه سجادیه پایان‌نامه‌ها و مقالات زیادی نیز نگاشته شده است از جمله: پایان‌نامه توحید افعالی در صحیفه سجادیه نوشته خانم محبوبه معتمدنژاد (۱۳۹۴ش) که رویکرد کلامی - فلسفی دارد، در این پایان‌نامه مباحث مربوط به توحید افعالی و اقسام آن بر مبنای فرمایشات گهربار حضرت



امام سجاد علیه السلام تبیین شده است و همچنین مقاله بررسی توحید ربوبی در صحیفه سجاده نوشته آقای مهدی صفایی اصل (۱۳۹۵ش). در این مقاله نیز مظاهر توحید ربوبی مانند توحید در حاکمیت، ولایت، رزقیت و ... در دعاها و مناجات‌های امام سجاد علیه السلام بیان شده است، ولی این پژوهش نقش قدرت و اراده خداوند در نزول بلاها و رفع آن در دعای هفتم صحیفه سجاده را مورد بررسی قرار می‌دهد که هیچ کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای به آن نپرداخته است. این پژوهش ابتدا به بیان برخی مفاهیم و اصطلاحات پرداخته و سپس تأثیر قدرت خداوند در ابتلائات و رفع آنها، مسئله قضا و قدر و ارتباط آن با قدرت خداوند، اثرگذاری اسباب در عالم و در بخش آخر به ارتباط اراده انسان و خداوند با ابتلائات زندگی پرداخته شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

اراده: واژه «اراده» به طور عام به معنای «خواستن، میل، قصد و آهنگ» ترجمه شده (دهخدا، ۱۳۵۱ش، ج ۱: ص ۱۶۰۴) و به طور خاص در فرهنگ‌های فلسفی به معنای چون «خواستن، قصد کردن، توجه کردن» (سجادی، ۱۳۷۳ش: ص ۱۳۰)، و نیز «اشتیاق به انجام کار و طلب کردن» معنا شده است (صلیبا، ۱۳۸۵ش: ص ۱۲۴).

راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» می‌گوید: «اراده» منقول از «راد، یروود» است، آنگاه که در طلب چیزی تلاش شود، «اراده» در اصل قوه مرکب از میل شدید، نیاز و آرزو است. اما این اسم برای میل نفس به چیزی با حکم به این‌که آن عمل شایسته است انجام شود یا انجام نشود، وضع شده است؛ بنابراین گاهی برای مبدأ فعل به معنای میل نفس به چیزی استعمال می‌شود و گاهی برای منتهای فعل، یعنی حکم به این‌که آن فعل شایسته انجام دادن است یا شایسته انجام دادن نیست، به کار گرفته می‌شود، اما وقتی در مورد خداوند متعال به کار می‌رود، منظور منتهای فعل است نه مبدأ آن، زیرا خداوند برتر از آن است که میل داشتن در او تصور شود. پس اگر گفته شود خداوند این‌گونه اراده کرده است، معنایش این است که حکم کرده فلان امر این‌گونه باشد نه گونه‌ای دیگر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۳۷۱).

علامه مصطفوی اراده را از ریشه «رود» معرفی می‌کند و بیان می‌کند که معنای اصلی این ریشه «طلب همراه با اختیار و انتخاب» است (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴: ص ۲۳۴). همان‌گونه که ملاحظه شد واژه «اراده» در فرهنگ‌های مختلف فلسفی، کلامی و قرآنی معانی متفاوتی را به خود اختصاص داده است اما آنچه به عنوان وجه مشترک همه آنها در تفسیر «اراده» استعمال می‌شود، اراده به معنای «خواستن و طلب کردن همراه با اختیار و انتخاب» است. **قدرت:** در لغت به معنای توانایی داشتن، توانستن و توانایی است؛ در اصطلاح به معنای صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد و به معنای مبدأ قریبی است که افعال مختلف از آن صادر شود. کلمه «قدرت» مترادف کلمه «استطاعت» است (معین، ۱۳۷۱ش، ج ۲: ص ۲۶۴۴).

دعا: مصدر از ماده «دعو» است (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ص ۲۰۴) و به معنای «حاجت خواستن، استغاثه به خدا، استدعای برکت، تضرع، درخواست از درگاه خدا و درخواست حاجت از خدا است» (دهخدا، ۱۳۵۱ ش، ج ۱۴: ص ۲۳ تا ۲۵).

دعا در اصطلاح یعنی گفتگو کردن با حق تعالی به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات قدس اوست (مشکینی، ۱۳۶۲ ش: ص ۱۱).

ابتلا: کلمه ابتلا مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال از ریشه «بلو» است. در منابع لغت، لغت‌شناسان، به طور مشترک واژه «ابتلا» را به معنای امتحان و اختبار بیان کرده‌اند (ابن منظر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴: ص ۸۴).

در برخی منابع لغوی با دو ریشه دو معنا برای آن بیان شده است؛ نخست «بلو» به معنای فرسودگی و دگرگونی و دوم «بلی» به معنای اختبار و امتحان (ابن فارس، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ص ۲۹۲). راغب اصفهانی گوید: «بلا در اصل به معنای کهنگی و فرسودگی است همچنین به آزمایش کردن نیز گفته می‌شود، زیرا هر چیزی در اثر آزمایش‌های متعدد وارده، حالت فرسودگی به خود می‌گیرد؛ مانند غم و اندوه که بدن را فرسوده می‌سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۱۴۵).

زیربنای جهت‌گیری‌های انسان در زندگی مسائل اعتقادی اوست؛ از جمله مسائل بسیار مهم اعتقادی بحث اراده و قدرت خداوند است. گستره شمول قدرت و اراده خداوند همواره از مسائل بسیار بحث‌برانگیز بوده است، از جمله این موارد، جایی مطرح می‌شود که انسان به بلایی مبتلا می‌شود، بلایای چون سیل، زلزله، بیماری و ...

۳. قدرت خداوند و ابتلائات

قدرت از اوصاف ثبوتی و ذاتی خداوند است. آیات بسیاری در قرآن خداوند را به نام «قادر» و «قدیر» می‌خواند، قادر بودن خداوند به این معناست که اگر مشیت او به انجام فعلی تعلق پذیرد، آن را انجام می‌دهد و اگر مشیت او به ترک آن تعلق گرفت آن را ترک می‌کند (سعیدی مهر، ۱۳۹۰ ش، ج ۱: ص ۲۲۹).

متکلمان قدرت را مبدئیت فاعل مختار برای کاری که ممکن است از او سر بزند تعریف کرده‌اند. قادر به این معنا در برابر فاعل مجبور است، پس قادر مختار کسی است که قدرت بر انجام فعل و ترک فعل را دارد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۹ ش: ص ۴).

صفت قدرت همچون دیگر صفات خداوند عین ذات اوست و چون ذات خداوند ازلی و نامحدود است، قدرت او نیز ازلی و نامحدود است؛ در قرآن کریم قدرت مطلق خداوند را این‌گونه بیان می‌کند: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ لَمْ يَعْزِبْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ «آیا ندانسته‌اند خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از



آفرینش آنها درمانده و خسته نشد، قدرت دارد که مردگان را زنده کند؟ آری، او بر هر کاری تواناست» (احقاف، ۳۳).

لذا خداوند خالق انسان، خالق افعال او و خالق هر فعل و انفعالی در عالم است، خلقت او به وسیله صفت قدرتش صورت می‌پذیرد؛ پس ابتلائات زندگی انسان که جزء فعل و انفعالات عالم است، نیز به وسیله قدرت خداوند صورت می‌پذیرد.

امام سجاد علیه‌السلام در بیان نقش قدرت خداوند در ابتلائات زندگی انسان می‌فرماید: «وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَتِي ثِقَلُهُ، وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ (۶) وَ يَقْدُرْتُكَ أَوْرَدَتُهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتُهُ إِلَيَّ» (۷) «پروردگارا! بلایی بر من نازل شده که سنگینی‌اش مرا به زحمت و رنج انداخته و سختی و مشکلی به دردم آورده که تحملش مرا در فشار قرار داده و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده‌ای و به اقتدارت به سوی من فرستاده‌ای» (انصاریان، ۱۳۹۷ ش: ص ۵۶).

وقتی قدرت خداوند به چیزی تعلق بگیرد هیچ قدرت دیگری توان مقابله و اثرگذاری بر آن را ندارد چون قدرت خداوند مطلق است و تخلف از آن امکان‌پذیر نیست لذا امام سجاد علیه‌السلام در ادامه می‌فرماید: «فَلَا مُصَدِّرَ لِمَا أَوْرَدْتِ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتِ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتِ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتِ، وَ لَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتِ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتِ» (۸) «دورکننده‌ای برای آن وجود ندارد و چیزی که تو بسته‌ای گشاینده‌ای برایش نمی‌باشد و چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد و آن چه را که تو دشوار کرده‌ای آسان کننده‌ای برایش نیست و کسی را که تو بی‌یار و یاور گذاشته‌ای یآوری برای او وجود ندارد» (انصاریان، ۱۳۹۷ ش: ص ۵۶).

در این فرازاها از دعا، امام سجاد علیه‌السلام تمامی افعال را به خداوند نسبت داده و بیان می‌فرماید که تنها مؤثر حقیقی خداوند است که با قدرت او تمام فعل و انفعالات عالم، اعم از بلاها و رفع بلاها محقق می‌شود.

امام علی علیه‌السلام مطلق بودن قدرت خداوند در نزول بلاها را این‌گونه بیان می‌فرماید: «و چون خداوند اراده کند که قومی را به بدی کردارشان عقاب کند هیچ بازدارنده‌ای برای آن نیست و برای آنان جز خداوند کسی نیست که آن بلا را برگرداند» (مفید، ۱۳۸۳ ش: ص ۲۳۹).

امام باقر علیه‌السلام نیز در روایتی نقش قدرت خداوند در نزول بلا و رفع آن را این‌گونه بیان می‌فرماید: «هرگاه خدای تبارک و تعالی بنده‌ای را دوست دارد، او را در بلا غوطه‌ور سازد و باران بلا را بر سر او ریزد و چون به درگاه خدا دعا کند، فرماید، لبیک بنده من، اگر خواسته تو را به زودی دهم، توانایم، ولی اگر برایت ذخیره کنم، برای تو بهتر است» (کلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳: ص ۳۵۲).

این روایات به خوبی بیان می‌کنند که نزول بلاها به هر دلیلی که حکمت خداوند اقتضا دارد از جانب اوست و از سوی دیگر برداشتن بلاها نیز تحت سیطره قدرت خداوند است.

همان کسی که با قدرتش زندگی انسان را به سختی‌ها و مشکلات مبتلا کرده می‌تواند با همان قدرتش، سختی‌ها و مشکلات را برطرف کند، امام سجاد علیه‌السلام در بخشی دیگر از دعا در این رابطه می‌فرماید: «ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، دشواری‌ها در برابر قدرتت آسان گردد» (انصاریان، ۱۳۹۷، ش: ص ۵۵).

امام سجاد علیه‌السلام در فرازهای این دعا به زیبایی تمام احاطه قدرت خداوند بر عالم و ضعف انسان در برابر این قدرت لایزال را بیان می‌فرماید.

وقتی تمام سختی‌ها، مشکلات، آسانی‌ها و گشایش‌ها به واسطه قدرت خداوند است و خود خداوند می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» «و پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم» (غافر، ۶۰) چرا انسان در ناملايمات زندگی خداوند را نخواند، دعا نکند و از خداوند یاری نجوید؟

خداوندی که در تمام هستی اعم از بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین جزء آن نظمی برقرار نموده که عقل عاقلان و عرفان عارفان و عشق عاشقان در آن سرگردان است و هرگز در امور هستی کم‌ترین و کوچک‌ترین اشتباهی رخ نمی‌دهد، بلایا و دشواری‌ها به قدرت او آسان می‌گردد، آن خداوندی که جهان را با همه وسعتش از گازهای مملو و منبسط در فضا و کیهان ساخته و به صورت صدها میلیارد توده عظیم منظم کهکشانی درآورده که هر یک دارای صدها میلیون ستاره‌اند و برخی از ستاره‌ها سیصد میلیون سال نوری دورتر از خورشید ما و بزرگ‌تر از آن هستند. با قدرت چنین حکیمی و با لطف و رحمت چنین قادری دشواری‌ها و ناملايمات زندگی، آسان و برطرف می‌گردد.

۱. ارتباط قدرت الهی با قضا و قدر

قضا و قدر از مسائل اعتقادی بسیار مهم و بحث‌برانگیز است، امام سجاد علیه‌السلام در مورد این مسئله در فرازی از دعا می‌فرماید: «وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ»؛ «و قضا به قدرت تو جاری است» (انصاریان، ۱۳۹۷، ش: ص ۵۵).

در این فراز از دعا امام سجاد علیه‌السلام این مسئله اعتقادی را بیان کرده و عامل جریان‌دهنده قضای الهی را قدرت خداوند دانسته اما درباره قابل‌تغییر بودن یا نبودن قضای الهی در شروح این دعا آمده است: «مفاد این قسمت از دعا آن است که جریان کلیه امورات از جزء و کل عالم و امور وارده و وقایع برای هر نفسی که برایش مقدر شده از روی قضای ازلی و حکم است و تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد» (خراسانی سبزواری، ۱۳۹۰، ش: ص ۴۹۲).

و همچنین آمده است: «قضا مختص خداوند است و کم و زیاد نمی‌شود، قدر محاسبات عبد است و کم و زیاد می‌شود. این دعا از قدرت الهی طلب نمودن است یعنی دست قدرت خدا برای تحقق خواست و التماس انسان مؤثر است» (زنجانی، ۱۳۹۸، ش: ص ۳۶).



با توجه به مطالب بیان شده ممکن است سؤالاتی مطرح شود که اگر همه امورات از روی قضای ازلی خداوند است که هیچ تغییری در آن راه ندارد چرا در روایات بسیاری توصیه شده برای برطرف شدن بلاها و سختی‌ها دعا کنید؟ چرا امام سجاد علیه‌السلام دعای هفتم صحیفه سجادیه را در زمان سختی‌ها می‌خواند و توصیه به خواندن آن می‌نمود؟ آیا قضا و قدر قابل تغییر است؟ آیا دعای خیر و یا نفرین بر سرنوشت انسان تأثیر می‌گذارد؟

برای پاسخ به این سؤالات ابتدا باید به تعریف قضا و قدر و سپس به تغییرپذیر بودن یا نبودن آنها بپردازیم.

علامه طباطبایی وجوب و ضرورتی که موجودات ممکن نسبت به واجب تعالی دارند را قضا می‌نامد (طباطبایی، ۱۳۹۲ ش، ج ۳: ص ۳۱۲). شبیه چنین نظری را آیت الله سبحانی دارند، ایشان نیز وجوب و قطعیت اشیاء بر اساس نظام علی و معلول را قضا می‌نامند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۶ ش: ص ۸۶).

در کتاب اسرارالایات قدر، وجود تفصیلی اشیاء در کتاب محو و اثبات و در مواد خارجی بیان شده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳ ش، ج ۶: ص ۲۹۲). آیت‌الله سبحانی حد و اندازه وجودی خاص ممکن‌الوجود را قدر گفته‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۶ ش: ص ۸۶).

آیت‌الله جوادی آملی نیز در شرح حکمت متعالیه ملاصدرا بیان کرده‌اند که قدر اصطلاحاً بر موجودات بعد از عالم عقول اطلاق می‌شود، مرحله قدر مرحله تفصیل اشیاء است و مشمول عالم قضا است چون هر محدودی مشمول مافوق خود است (جوادی آملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶: ص ۳۵۱ تا ۳۵۲).

لذا مرحله قضا کلی‌تر از مرحله قدر است و مرحله قضا ثبات بیشتری دارد، قضا عام است و شامل قدر نیز هست.

در مرحله قدر، وجود اشیاء اندازه‌گیری شده و شرایط وجودی در آن اندازه‌گیری نقش دارند؛ لذا حد و تعیین، در این مرحله ایجاد شده است؛ از جمله شرایط و حدود، اختیار انسان است یعنی در تعیین قضا و قدر اختیار و اراده انسان نقش دارد (طباطبایی، ۱۳۹۲ ش، ج ۳: ص ۲۹۵).

بدین ترتیب این اشکال که انسان با وجود قضا و قدر معین مجبور است و اختیار ندارد رفع می‌شود چون اختیار یک مورد از این شرایط بود، عوامل دیگر که در روایات آمده همچون دعا، صدقه و اعمال خیر دیگر، نیز تأثیر دارند.

پس این که امام سجاد علیه‌السلام عامل جریان‌دهنده قضا را قدرت خداوند بیان می‌کند به دلیل آن است که هم وجود موجودات و هم شرایط وجودی آنها منوط به تعلق قدرت خداوند به آنهاست.



قضا و قدر این تفاوت‌ها را باهم دارند که قضا شامل عالم مجرد و ماده است ولی قدر فقط شامل عالم ماده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶: ص ۳۶۵)، لذا مجردات فقط قضا دارند یعنی سرنوشت قطعی و موجودات مادی هم قضا و هم قدر دارند (طباطبایی، ۱۳۷۰ ش: ص ۹۱).

پس با توجه به آن چه بیان شد موجودات مادی سرنوشت‌های غیرقطعی و قابل تغییر دارند به دلیل این که قضا اعم از قدر است و شامل قدر نیز می‌شود و با توجه به این که قدر شامل عالم ماده می‌شود و از صفات عالم ماده تغییرپذیری آن است پس قسمی از قضا تغییرپذیر است و قسمی تغییرپذیر نیست.

قضا را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد قضا ذاتی که در مرتبه ذات واجب تحقق دارد و با عالم ماده سروکار ندارد تغییرپذیر نیست ولی قضا فعلی که داخل در عالم است و با موجودات و اشیاء جهان مربوط است قابل تغییر است (طباطبایی، ۱۳۹۲ ش، ج ۳: ص ۳۱۴).

در روایات هم آمده است که دعا رد بلا می‌کند و یا این که دعا قضا و قدر را تغییر می‌دهد از جمله روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و اله که می‌فرمایند: «قدر را بر نمی‌گرداند مگر دعا» (مجلسی، ۱۳۶۴ ش: ص ۱۸۵).

همچنین در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: «آیا افسون هیچ دفع قدر می‌نماید؟ فرمود این هم از قدر است» (ابن بابویه، ۱۳۷۱ ش: ص ۲۸).

پس دعا نیز به طریق اولی از موارد قضا و قدر است؛ همان‌طور که اراده و اختیار انسان، خود از قدر است، لذا انسان می‌تواند به درگاه خداوند دعا کند و طلب یاری کند و با توجه به این که دعا کردن از اسباب تأثیرگذار در عالم است و خداوند خود این تأثیرگذاری را به آن داده است، پس دعا از عوامل رفع بلایا است؛ و همان‌طور که بیان شد این مسئله با قضا و قدر منافات ندارد.

قضا و قدر مانع دعا نیستند چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است، گذشته از این که خود دعا نیز از اسباب قضا و قدر است و امر به دعا نیز از همان‌ها است (کلینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۴: ص ۲۱۱).

همان‌گونه که در روایات بیان شد دعا از اسباب تأثیرگذار عالم و حتی بر قضا و قدر نیز اثر دارد. پس وقتی که انسان دعا می‌کند، خداوند به واسطه قدرتش و با توجه به این که اسباب لطفش فراهم شده (که همان دعا است)، ابتلائی که خود به واسطه قضا و قدرش برای انسان مقدر کرده را رفع کرده و مقدراتش را تغییر دهد.

۱. رابطه بین قدرت خداوند با اسباب طبیعی چیست؟

سنت خداوند این‌گونه است که تأثیر و تأثر در عالم ماده را با اسباب مادی جاری نماید، خدا نمی‌خواهد که کارها جز به طریق اسباب جریان پیدا کند؛ شهید مطهری در توضیح چگونگی اعمال این اراده می‌فرماید: «بایستی توجه داشت که اراده و مشیت خدای متعال، در قالب اسباب و



سنت‌ها مقرر شده و از جانب خداوند جریان می‌یابد، دانه‌ای که در مکان مرطوبی قرار می‌گیرد سبز می‌شود. این سنت الهی است که در جهان حاکم است. همین دانه اگر در جای خشک باشد سبز نمی‌شود، این هم مشیت خدا است، بنابراین خداوند مجموعه‌ای از سنت‌ها را در طبیعت و نظام‌های هستی برقرار کرده است (مطهری، ۱۳۶۳ ش، ج ۱: ص ۳۹۱).

امام صادق علیه‌السلام نیز از این حقیقت پرده برداشته است و می‌فرماید: «خداوند هیچ چیزی را مگر از راه اسباب طبیعی آن عملی نمی‌سازد. پس باید همواره در پی آماده ساختن اسباب مناسب هر چیز و هر کار بود» (حکیمی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱: ص ۵۶۱).

مقصود این است که چون این جهان، جهان اسباب است، باید این قانون را که خود، قانونی الهی و قانونی عظیم است محترم داشت و برای هر کاری در پی اسباب آن رفت.

خداوند در عالم ماده قوانینی را وضع کرده است، از جمله این قوانین، رابطه سببیت میان اشیای این عالم است، در این قوانین تخلف صورت نمی‌پذیرد و فعل و انفعالات عالم ماده بر طبق قانون سببیتی که بین اشیاء وجود دارد می‌باشد.

علامه مجلسی در خصوص حدیث معروف «لأجبر و لاتفویض بل امر بین امرین» در کتاب بحارالانوار می‌فرماید: «نه جبر محض است که از ما و از این وسائل و اسباب هیچ کاری ساخته نباشد و وسائل هیچ دخالتی و تأثیری نداشته باشند و نه تفویض محض که همه اسباب و وسائل و وسائط خودشان بالاصالة و بالذات و به طور مستقل و بدون دخالت اراده حق تعالی کار خود و تأثیر خود را انجام دهند بلکه بین این دو راه، راه سوم هست و آن این که ما انسان‌ها و همه موجودات، افعال و کارهای ما و تمام این اسباب و وسائل مؤثر و دخیل هستند و گرنه تکلیف، ثواب و عقاب، تقدیر، نکوهش و توبیخ همه و همه بی‌مورد و غلط خواهد بود ولی نه به طور استقلال که هر یک خدائی می‌شوند، زیرا که مسبب‌الاسباب خداوند است و خداوند آنها را سبب قرار داده است و هر زمان که اراده کند می‌تواند سببیت را از آنها بگیرد» (مجلسی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱: ص ۱۶).

امام سجاد علیه‌السلام در دعای هفتم، این مسئله بسیار مهم اعتقادی را بیان کرده و در فراز دوم از دعای هفتم می‌فرماید: «تَسَبَّبْتُ بِلَطْفِكَ الْأَسْبَابَ» «وسایل زندگی و اسباب حیات به لطف فراهم آید» (انصاریان، ۱۳۹۷ ش: ص ۵۵).

امام در این دعا بیان می‌فرماید که اگر خداوند بخواهد به بنده‌اش لطفی داشته باشد اسباب آن را فراهم می‌کند و دعا کردن در واقع همان درخواست لطف از جانب خداوند است و تا اسباب فراهم نباشد قابلیت دریافت لطف از جانب خداوند وجود ندارد. خدای متعال خود سبب‌ساز است، یعنی علت و معلول و رابطه‌ای بین این دو جملگی در قبضه قدرت اوست و هیچ چیز یا کس دیگر بر آن حاکم نمی‌باشد، تنها اوست که محکوم هیچ ضرورتی نخواهد بود لذا خداوند قانون سببیت را در عالم قرار داده است.

برای این که فعلی در عالم اتفاق بیفتد باید علت تامه آن فعل محقق شود، قانون سببیت نیز بخشی از علت تامه فعل و انفعالات عالم هستی است، امام سجاد علیه السلام با توجه به این مسئله این قانون الهی را در دعا بیان نموده است، البته دعا خود نیز از اسباب عالم بوده و در فعل و انفعالات عالم اثرگذار است.

قدرت این عامل برای دفع بلا آن چنان زیاد است که در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام عامل انحصاری برای دفع بلا شمرده شده و فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ سَطَوَاتٍ وَ نَقَمَاتٍ فَإِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ فَادْفَعُوهَا بِالذَّعَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ إِلَّا الذَّعَاءُ» (تیمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ص ۲۲۹). نعمت ضد نعمت است و وقتی نعمتی سلب می شود، معمولاً نعمت جای آن را می گیرد که چیزی جز گرفتاری و بلا نیست و هیچ چیزی آن نعمت را دفع نمی کند مگر با دعا و طلب نمودن از خداوند.

همچنین امام می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا نَزَلَتْ بِهِمُ النَّقْمُ وَ زَالَتْ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرَعَوْا إِلَى اللَّهِ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَاتِهِمْ وَ لَمْ يَتَمَنَّوْا» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ص ۱۸۳). مضمون فرمایش مولا امیرالمؤمنین علیه السلام این است که اگر انسان های گناهکار در وقت فرود آمدن بلا به درگاه خدا روی آورده، از او کمک می خواستند، گرفتاری هایشان رفع می شد و نعمت های ازدست رفته به ایشان بازگردانده می شد.

تأثیر دعا در رفع بلا چنان یقینی و روشن است که می بینیم ائمه علیهم السلام طولانی شدن یا کوتاه بودن مدت زمان بلا را به این که انسان ها در زمان گرفتاری به یاد دعا بیفتند یا خیر، منوط دانسته اند. هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيَا مِي دَانِيْدُ بِلَا طَوْلَانِيْ اسْتِ يَا كَوْتَاهُ اسْتِ؟ گفتم: نه، فرمود: چون به هر کدام شما که مبتلا شدید الهام شد که دعا کنید، بدانید که مدت بلا کوتاه است» (کلینی، ۱۳۸۷ ش، ج ۶: ص ۳۱).

۲. اراده خداوند و ابتلائات

از دیگر موضوعات اعتقادی بسیار مهم مسئله اراده الهی است؛ عموم مشیت و اراده الهی در سراسر آیات قرآن، به چشم می خورد: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» «و شما چیزی را نمی خواهید مگر این که خدا بخواهد» (انسان، ۳۰).

و آیات بسیار دیگری با همین مضمون، در ارتباط مستقیم مصائب با خداوند در قرآن آمده است، به عنوان نمونه خداوند در سوره تغابن در این خصوص می فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا و هر کس به خدا ایمان آورد خداوند قلبش را هدایت می کند و خدا به همه چیز دانا است» (تغابن، ۱۱).

در این آیات تمام مصائب، به اذن و اراده الهی منحصر دانسته شده و این حاکی از حضور نقش خداوند در تمام ابتلائات زندگی انسان است، بدون شک همه حوادث این عالم به اذن خدا است،



چرا که به مقتضای «توحید افعالی» در تمام عالم هستی چیزی بدون اذن و اراده حق تحقق نمی‌یابد؛ البته منظور از اذن در اینجا همان اراده تکوینی خداوند است، نه اراده تشریحی که در ادامه تفاوت آنها بیان می‌شود.

در دعای هفتم صحیفه سجادیه موضوع اراده خداوند به زیبایی بیان شده است، امام سجاد علیه‌السلام در این دعا همه امور نظام هستی را طبق اراده خداوند بیان کرده و می‌فرماید: «وَمَضَتْ عَلَيَّ إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ»؛ «و هر چیزی بر وفق اراده تو پدید آمده است» (انصاریان، ۱۳۹۷ ش: ص ۵۵).

مقصود از اراده بر پدید آمدن، همان حیثیت طرد العدم است، پس مفاد دعا آن است که: «تمام اشیاء ممکنه بر حسب اقتضاء و میل و اراده ازلیه تو از عدم خارج شده‌اند» (خراسانی سبزواری، ۱۳۹۰ ش: ص ۳۴۰).

خروج از عدم همان وجود است یعنی خداوند وقتی چیزی را اراده می‌کند موجود می‌شود و در صورتی که خداوند آن چیز را اراده نکند معدوم است پس ملاک موجودیت، تعلق اراده خداوند است. البته اینجا مقصود اراده تکوینی خداوند است.

امام در فرازی دیگر از دعا در این رابطه می‌فرماید: «فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْجِرَةٌ». «پس همه موجودات به خواست تو بی آنکه فرمان قوی دهی، فرمان برند و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند» (انصاریان، ۱۳۹۷ ش: ص ۵۵). اگر مرجع ضمیر «هی» در عبارت «فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ» مکاره و ناملایمات باشد معنی این است که آنها به اراده تو اذعان و امتثال دارند، به هر موضوعی که باید وارد شوند و از هر محلی که باید انزجار و امتناع نمایند و اگر مرجع «هی»، «اشیاء» باشد، یعنی آنها به مشیت و اراده نافذ تو از - دون قول لسانی - تو مؤتمره‌اند، یعنی قبول و امتثال نموده‌اند؛ زیرا که مشیت الهیه فیض مقدس و وجود منبسط است که اشیاء موجود به او و او موجود بنفسه است نه به وجود دیگر، چنانچه همه چیز ظاهر است به نور و نور ظاهر است بنفسه، نه به نور دیگر؛ لذا در حدیث آمده: «خلقت اشیاء به مشیت خداوند است و خلقت مشیت خداوند بنفسه است»، پس اشیاء همان قبول افاضه وجود از مبدأ اعلی بعینه امتثال و قبول امر تکوینی او است کما این که اشیاء به اراده خدا بدون نهی تشریحی تکلیفی او منجزه یعنی قبول امتناع نموده‌اند (خراسانی سبزواری، ۱۳۹۰ ش: ص ۳۴۰).

چون خداوند فاعل مختار و مؤثر تام الآثار است و همه موجودات تحت تصرف او هستند و اراده خدا نیز عبارت از مبدأ بودن اشیاء است، پس وجوب و حتمیت موجودات عالم از خداوند است و موجودات به محض وجوب مصلحت در خارج یافت می‌شوند؛ بدون آن که هیچ حاجتی به قول

داشته باشند و با نداشتن مصلحت لازم، به وجود نمی‌آیند، بدون این که به نهی و بازدارندگی نیازی وجود داشته باشد.

با توجه به این فرازاها از دعا که امام سجاد علیه‌السلام هر چیزی را ناشی از اراده خداوند و با توجه به بحث قبل که هر فعل و انفعالی از جمله ابتلائات و سختی‌ها به قدرت خداوند بیان شد، ممکن است سؤالاتی در اینجا مطرح شود از جمله این که آیا خداوند به این مصائب راضی است که بر اراده‌اش بر آنها تعلق می‌گیرد؟ مگر خداوند مهربان نیست؟ آیا انسان‌ها در سختی‌ها و بلاهایی که بر آنها نازل می‌شود هیچ نقشی ندارند؟ ...

خداوند در رابطه با نقش انسان با مصائب و بلاهای وارده در زندگی‌اش، می‌فرماید: «وَمَا أَصَبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» «و هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و خداوند متعال بسیاری را نیز عفو می‌کند» (شوری، ۳۰).

پیامبر اکرم صلی آله علیه و آله در مورد این آیه به حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «این آیه بهترین آیه در قرآن است ای علی! هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سرزده» (طبرسی، ۱۳۱۲ ش، ج ۳: ص ۴۸).

این آیه و روایت به وضوح بیان می‌کنند که عامل اصلی مصائب زندگی انسان اعمال خود اوست، در آیات فراوان دیگری نیز بر این مسئله تأکید شده است، مثل این آیه که می‌فرماید: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»؛ «آن چه از نیکی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آن چه از بدی به تو می‌رسد از خود تو است» (نساء، ۷۹).

جمع آیات و روایاتی که مصائب و ابتلائات را نشأت گرفته از اراده خداوند بیان می‌کند با آیات و روایاتی که آنها را به اراده انسان نسبت می‌دهند چگونه ممکن است؟

در جواب باید گفت همه حوادث جهان حتی اعمال و افعال ما خواه حسنه باشد یا سیئه، خوب باشد یا بد از یک نظر مربوط به خدا است زیرا اوست که به ما قدرت داده و اختیار و آزادی اراده بخشیده است، بنابراین آنچه ما اختیار می‌کنیم و با آزادی اراده انتخاب می‌نماییم بر خلاف خواست خدا نیست، ولی در عین حال اعمال ما به ما نسبت دارد و از وجود ما سرچشمه می‌گیرد زیرا عامل تعیین‌کننده عمل، اراده و اختیار ما است و به همین دلیل ما در برابر اعمالمان مسئولیم و استناد اعمال ما به خدا آن چنان که اشاره شد از ما سلب مسئولیت نمی‌کند و موجب عقیده جبر نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳: ص ۲۲).

پس اراده الهی را می‌توان به دو صورت در نظر گرفت: اراده تکوینی و اراده تشریحی. اراده تکوینی از رابطه خاص خدا با مخلوقات، سرچشمه می‌گیرد، در صورتی که خداوند امری را اراده کند، بالضرورة تحقق پیدا می‌کند، اما اراده تشریحی از رابطه خاص خدا با برخی از افعال اختیاری انسان سرچشمه می‌گیرد که امکان تخلف اراده از مراد وجود دارد؛ مثلاً اگر خدا اراده کند موجود



خاصی که امکان تحقق دارد، موجود شود حتماً موجود می‌شود، اما در اراده تشریحی، خدا اراده کرده همه انسان‌ها با اختیار به راه مستقیم هدایت شوند، ولی برخی از انسان‌ها با سوء اختیار از این امر تخلف می‌کنند (محمد رضایی، ۱۳۹۱ ش: ص ۱۵۶).

در واقع سبب آغازین و نهایی رخدادهای تلخ و شیرین، خداوند سبحان است؛ ولی سبب قریب آنها عمل خود انسان است و اراده انسان در طول اراده خداوند است؛ اختیار انسان یکی از حلقه‌های سلسله علل پدیده‌هاست و تقدیر الهی است که پس از اتمام حجت، اگر کسی با حسن اختیار خود به راه صلاح و سعادت رود، به خیر و حسنه برسد و چنانچه با سوء اختیارش به بی‌راهه گمراهی گام نهد، گرفتار شود.

میان اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او، ارتباط و پیوند نزدیکی وجود دارد که اگر فرد بر اصول فطرت و قوانین آفرینش گام بردارد مشمول برکات الهی شده و در غیر این صورت زندگی‌اش به فساد می‌گراید.

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» «و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم ولی [آنها حقایق را] تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم (اعراف، ۹۶).

بنابراین برخی از مصائب با طبیعت زندگی انسان سرشته شده و اراده بشر کمترین تأثیری در آنها ندارد و برخی دیگر نیز فرد یا افراد به نحوی در آن نقش دارند؛ با توجه به بیان قرآن کریم همه چیز به اذن و فرمان خداوند روی می‌دهند، ولی وقوع قسم دوم را نتیجه و پیامد اعمال و رفتار خود انسان‌ها می‌داند اگرچه این مصائب به اذن الهی است ولی بدون رضایت خداوند است؛ به اذن خداوند است چون اراده تکوینی او حکم می‌کند که انسان با اختیار خودش اعمالش را انجام دهد و اگر خداوند اراده نکند اصلاً فعل محقق نمی‌شود و این‌که خداوند رضایت ندارد به آن به سبب اراده تشریحی خداوند و اوامر و نواهی اوست که انسان را از اعمالی که سبب مصیبت و عقوبت او می‌شود نهی می‌کند.

۱. نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، همواره ابتلائات و مصائب گوناگونی وجود دارد که زندگی انسان‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد. توجه انسان به نقش قدرت و اراده خداوند در کنار نقش انسان در این ابتلائات، و یافتن معرفت صحیح در مورد این موقعیت‌ها از اصول اعتقادی بسیار مهم است که امام سجاد علیه‌السلام این موضوع را در دعای هفتم صحیفه سجادیه بیان نموده است.

امام سجاد علیه‌السلام در این دعا ضمن بیان قدرت لایزال خداوند در فرود آمدن بلا و همچنین برداشتن بلا به اثرگذاری اسباب در عالم اشاره کرده و این‌که خداوند اگر بخواهد به بنده لطفی به

جهت دعا و درخواست داشته باشد اسباب مادی آن را فراهم می‌کند و خود دعا نیز از اسباب لطف خداوند است.

نوعی از قضای الهی غیر حتمی بوده و عواملی در تغییر آن اثرگذار است، از جمله عواملی که قضا و قدر را تغییر می‌دهد، دعا است.

برخی ابتلائات زندگی ناشی از اراده انسان هستند چون خداوند اراده کرده، انسان افعالش را با اراده و اختیار انجام دهد؛ لذا دلیل ابتلائات گاه از روی سوء اختیار و اراده خود انسان است و گاه اراده انسان هیچ تأثیری در آن ندارد و خداوند به دلایل مختلف انسان را مبتلا کرده است.

در روایات متعدد از معصومین، بسیار به دعا توجه شده است که نشان از اهمیت بالای آن دارد؛ تعداد زیادی از روایات به دعا برای برطرف شدن بلا، تغییر قضا و قدر، برای رفع گرفتاری، برای از بین رفتن بیماری و مداوای هر درد آمده است.

بنابراین همان‌گونه که امام سجاد علیه‌السلام توصیه نموده‌اند، از راه‌های رهایی از بلاها و سختی‌ها دعا کردن است و طلب یاری خداوند در این مواقع چاره‌ساز است.

صحیفه سجادیه دریای بی انتهای از معارف مورد نیاز بشر است، لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در مورد آموزه‌های اعتقادی صحیفه سجادیه انجام شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

- ابن فارس، ابی‌الحسین احمد (۱۴۱۶ ه. ق). معجم مقاییس اللغة، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن منظر، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق). لسان العرب، ج ۱۴، چاپ: سوم، بیروت: دار الصادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۱ ه. ش). إعتقادات الإمامیه (للسدوق) / ترجمه حسنی، چاپ: اول، تهران: کنگره شیخ مفید.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ه. ق). غرر الحکم و درر الکلم، چاپ: دوم، قم: دار الکتب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲ ه. ش). شرح حکمت متعالیه، ج ۶، چاپ: اول، تهران: انتشارات الزهرا.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰ ه. ش). الحیاة / ترجمه احمد آرام، ج ۱، چاپ: اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____، ج ۴، چاپ: اول، تهران: مؤسسه نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۱ ه. ش). لغتنامه، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- _____، جلد ۱۴، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه. ق). مفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار العلم / الدار الشامیه.
- محمد رضایی، محمد (۱۳۹۱ ه. ش). الهیات فلسفی، چاپ: اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

- زنجانی، محمد خیاط. (۱۳۹۹ ه. ش). شرح دعای هفتم صحیفه سجادیه، بی جا: مرکز مطالعات اسلامی و پژوهشی‌های فرهنگی بنیان مرصوص.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۶ ه. ش). منشور عقاید امامیه، چاپ: سوم، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- سبزواری، میرزا محمدابراهیم. (۱۳۹۰ ه. ش). شرح صحیفه سجادیه، اصفهان: حوزه علمیه اصفهان مرکز تحقیقات رایانه‌ای.
- سجادی، جعفر. (۱۳۷۳ ه. ش). فرهنگ علوم عقلی، تهران: کوشش.
- سعیدی مهر، محمد. (۱۳۹۰ ه. ش). آموزش کلام اسلامی، ج ۱، قم: کتاب طه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۸ ه. ش). نهج البلاغه / ترجمه انصاریان، چاپ: اول، قم: دار العرفان.
- صلیبا، جمیل. (۱۳۸۵ ه. ش). فرهنگ فلسفی، ترجمه: صناعی دره بیدی، منوچهر، تهران: حکمت.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۰ ه. ش). رسایل توحیدی، ترجمه علی شیروانی، چاپ: اول، تهران: انتشارات الزهرا.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۲ ه. ش). نه‌ایه الحکمه، ترجمه: علی شیروانی، ج ۳، چاپ: اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۱۲ ه. ش). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹ ه. ش). أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۳، چاپ: اول، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹ ه. ش). أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۴، چاپ: اول، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷ ه. ش). اصول کافی، مترجم: کمره ای، محمدباقر، ج ۶، چاپ: دهم، تهران: انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۴ ه. ش). بحار الأنوار - ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸ / ترجمه موسوی همدانی، چاپ: اول، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۴ ه. ش). کتاب الروضة در مبانی اخلاق (ترجمه جلد ۷۴ بحار الأنوار)، چاپ: دوم، الاسلامیه.
- محمد بن ابراهیم شیرازی، صدرالدین. (۱۳۶۳ ه. ش)، اسرار الآیات، ترجمه محمد خواجه‌جوی، چاپ: اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مشکینی، علی. (۱۳۶۲ ه. ش). مصباح المنیر، قم: انتشارات یاسر.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ ه. ق). التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۳، چاپ: اول، تهران: مؤسسه نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳ ه. ش). مجموعه آثار، جلد اول، تهران: نشر صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۷۱ ه. ش). فرهنگ معین، ج ۲، چاپ: هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۳ ه. ش). نبرد جمل / ترجمه الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ترجمه: مهدوی دامغانی، محمود، چاپ: اول، تهران: نشر نی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ه. ش). تفسیر نمونه، ج ۳، چاپ: دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۳۹۹ ه. ش). کشف المراد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ ه. ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۵، چاپ: اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.